

نوسازی و توسعه اقتصادی در قرآن

علی ملکی^۱

چکیده

تبیین دیدگاه اسلام در قرآن پیرامون نوسازی و توسعه در چارچوب طرح سبک زندگی اقتصادی اسلامی در برابر نوسازی و توسعه برآمده از مدرنیته غرب، از ضروریات انقلاب اسلامی و کشورهای مسلمان است تا در طرح‌های توسعه خود به اصول و معیارهای دین اسلام در قرآن و امتیازات نگرش اسلامی توسعه، توجه کرده و در مدرن کردن اقتصاد کشورهای مسلمان توجه کنند.

دیدگاه قرآن درباره نوسازی و توسعه اقتصادی چیست و تمایزات و متشابهات آن با نوسازی مدرنیته غربی چیست؟ فرض این پژوهش بر آن است که در قرآن زمینه‌ها و عوامل نوسازی و توسعه، عمران و آبادانی مادی – معنوی به وضوح بیان شده است و قرآن، اصول و معیارهایی را برای توسعه اقتصادی بیان کرده است که نسبت به طرح‌های توسعه امروزی برتری‌ها و مزیت‌های فراوانی دارد. در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی به شکل کتابخانه‌ای و به صورت تحلیل محتوا بهره‌گیری شده است.

واژگان کلیدی: نوسازی، توسعه، سبک زندگی اقتصادی اسلام، نوسازی و توسعه در اسلام

مقدمه

موضوع پژوهش حاضر طرح و بررسی دیدگاه اسلام (قرآن) درباره نوسازی و توسعه اقتصادی است. با توجه به رویکرد قرآنی، تا چه حدودی، اسلام با نوسازی و توسعه اقتصادی همخوانی و سازگاری دارد؟ آیا عمران و آبادانی در حوزه اقتصادی با آموزه‌های اسلام در قرآن تطابق و هماهنگی دارد یا نه؟ با توجه به برنامه‌های نوسازی و توسعه در مدرنیته غرب، نسبت بین اسلام (قرآن) و مدرنیته در ابعاد اقتصادی و آبادانی دنیا چگونه است؟ آموزه‌های دینی با عناصر مدرنیته در ابعاد اقتصادی چه نسبتی دارد؟ در این پژوهش ضمن طرح این موضوعات،

^۱. استادیار دانشگاه تفرش. ali_malaki70@yahoo.com

سبک زندگی اقتصادی اسلام را در رویکرد قرآنی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم. از حیث مبانی نظری از روش تفسیری و سنتی حوزوی استفاده می‌کنیم که بر اساس آن متون دینی دارای مفاهیم مشخصی برای استدلال و فهم هستند و با روش توصیفی، تحلیلی کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا، آیات قرآن را مورد کنکاش و بررسی قرار می‌دهیم. یعنی با تمرکز بر آیات قرآن کریم، رویکرد قرآنی درباره نوسازی و توسعه اقتصادی را استخراج می‌کنیم.

اهمیت موضوع از آن جهت است که دیدگاه اسلام را در باره نوسازی روشن می‌کند. انقلاب اسلامی ایران، اسلام را به عنوان یک مکتب جامع و کامل که قدرت و توانایی اداره کشورها را در ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دارد مطرح کرد. بیان دیدگاه قرآن درباره توسعه اقتصادی می‌تواند برای کشورهای مسلمان و مخصوصاً برای جمهوری اسلامی که به دنبال ارائه الگویی جهت توسعه و پیشرفت است، سازنده باشد. در کشور ما حامیان سنت، آموزه‌ها و مفاهیم مدرنیته را بر نمی‌تابند و طرفداران مدرنیته هم، آن را با سنت در تضاد و یا تعارض می‌بینند. ولی پرسش این است که چقدر آیات قرآن کریم با آموزه‌های مدرنیته درباره نوسازی و توسعه اقتصادی سازگاری دارد؟ سبک زندگی اقتصادی از دیدگاه قرآن چگونه است؟ اصول و ویژگی‌ها و معیارهای توسعه و نوسازی در قرآن تا چه حد با اصول و معیارهای نوسازی و توسعه غربی توافق و هم‌پوشانی دارد؟ اصول و معیارهای قرآن برای توسعه اقتصادی چیست؟

فرض این پژوهش بر آن است که اسلام به عنوان دینی جامع و کامل در قرآن اصول و آموزه‌هایی درباره رشد و توسعه اقتصادی دارد که در برخی امور با مفاهیم مدرن سازگاری دارد ولی در برخی امور ویژگی‌ها و اصول متفاوت و متمایزی دارد و رویکرد قرآن آن است که از طریق توسعه و آبادانی زمین، اهداف مقدس و متعالی مانند انسان کامل، جامعه معنوی، قرب الهی و سعادت انسان در دنیا و آخرت تأمین شود.

مفاهیم و کلیات

ابتدا ضروری است مفاهیم مورد استفاده در این پژوهش شناسایی و تعریف شوند و لذا مفاهیمی مثل مدرنیته، مدرنیزاسیون، مدرنیسم، نوسازی، توسعه و اسلام را تعریف و مشخص می‌کنیم.

اصول و مفاهیم و شاخص‌های مدرنیته در جهان‌بینی غرب و در فرآیند تاریخ غرب شکل گرفته و در عمل توانایی‌ها و نارسائی‌های خود را بروز داده است. توانایی در پیشرفت، توسعه و رفاه و نارسائی‌ها در شکل‌گیری فمینیسم، جنبش سبزه‌ها یا طرفداران محیط زیست و شکل‌گیری اندیشه پست مدرنیسم ظهور یافته است؛ اما در مجموع تمدنی بنام تمدن غربی را بروز داده است که خود را بر همه کشورها و فرهنگ‌ها تحمیل نموده است و هر مکتب یا جهان‌بینی، چاره‌ای جز پذیرش، طرد و یا معین کردن نسبت خود با آن و سازگاری یا عدم سازگاری با آموزه‌های آن ندارد. برخی جوامع جهان سوم رویکرد اقتصادی مدرنیته را پذیرفته و با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده‌اند؛ برخی هم با درک ناقص و سطحی از آن و در نتیجه انجام تغییرات و نوسازی بر اساس آن با نابسامانی‌های دیگری درگیر شده‌اند، لذا نقطه شروع نوسازی و توسعه، رسیدن به یک توافق جامع در سطح نخبگان درباره نسبت اسلام با توسعه و نوسازی مدرن است تا با آگاهی پیشین از پیامدهای احتمالی آن، به صورت فعال و پویا با آن روبرو شود وگرنه مدرنیته خود را در ابعاد مختلف تحمیل کرده و وارد می‌شود.

اسلام به کلی با همه آموزه‌های مدرنیته در حوزه اقتصادی معارض نیست و با توجه به تفاوت‌هایی که دارد می‌تواند بر اساس جهان‌بینی اسلامی و منظومه فکری اسلام در قرآن، راه جدیدی از نوسازی و توسعه اقتصادی در سبک زندگی اقتصادی اسلامی متناسب با جوامع اسلامی ارائه دهد. مدرنیته در تاریخ جوامع اروپایی پس از قرون وسطی (قرن ۵ تا ۱۵ میلادی) در برابر حاکمیت کلیسا، فتودال‌ها و امپراوری‌ها شکل گرفته و در برابر کلیسا به دنبال آبادانی

و رفاه در دنیا و ارزش نهادن به انسان و آزادی‌های او بود. تمدن جدید غربی از گذر رنسانس و مفاهیم مدرنیته، نوسازی و توسعه به وجود آورده است.

مدرنیته از لغت modo گرفته شده و به معنای؛ امروزی یا رایج است و از حیث تاریخی محصول یک انقلاب فکری در برابر جهان‌بینی، سنتی، دینی و قرون وسطایی با رویکرد علمی و عقلایی بود و بر اساس آن انسان با دنیا، تولید و ثروت ارتباط برقرار کرد.^۱

مدرنیته (modernity) اشاره به ساختار و یا دسته‌ای از عناصر دارد که با هم یک ساختار را تشکیل می‌دهند. مدرنیته دارای اصولی مانند انسان محوری (اومانیزم)، عقل‌گرایی (راسیونالیسم)، علم‌گرایی (سیانتیسم)، فردگرایی (ایندیویدوالیسم)، آزادی و حقوق فردی (لیبرالیسم)، دنیاگرایی (سکولاریسم)، ماده‌گرایی (ماتریالیسم)، کثرت‌گرایی (پلورالیسم)، ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) و برابری (equity) است.^۲

نوسازی یا مدرنیزاسیون (modernization) اشاره به فرآیند دگرگونی اقتصادی و تکنولوژیک دارد که در خلال رنسانس اتفاق افتاده است و منتهی به مدرنیته شده است.^۳

مدرنیسم (modernism) یا آگاهی یعنی مدلی که اروپا خود را از سایر نقاط جهان متمایز و از طریق آن تعیین هویت کرد.

توسعه (Development) – بسیاری از نویسندگان نوسازی و توسعه را مترادف گرفته‌اند اما نوسازی بیشتر به روند تغییرات اجتماعی و توسعه متوجه هدف و مقصد این روند بوده است اگر نوسازی در رسیدن به اهداف مورد نظر ناکام باشد در این صورت توسعه رخ نداده است توسعه، نوسازی را در بر دارد اما نوسازی لزوماً به توسعه رهنمون نمی‌شود. اما نوسازی و توسعه اگر با هم به کار برده شوند یک معنا را تداعی می‌کنند.

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ توسعه با رشد اقتصادی معادل بود اما از اواخر دهه ۱۹۶۰ توسعه فراتر از معیارهای اقتصادی با عوامل اجتماعی و ارزشی هم همراه شد. رشد اقتصادی

به امور کمی مانند درآمد، تولید ملی یا تولید ناخالص ملی در یک دوره اشاره دارد. توسعه اقتصادی مفهومی عام‌تر و مرکب از جنبه‌های کمی و کیفی است.

توسعه فرآیندی است که به همراه رشد مداوم در ابزارها و روابط مادی و معنوی و بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی، انسان‌ها و جوامع را به سوی بلوغ و کمال می‌رساند.^۴ توسعه ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هم دارد ولی در این جا توسعه اقتصادی مدّ نظر است. پس از جنگ جهانی دوّم و شکل‌گیری نظام دوقطبی، در حوزه اقتصادی در شکل‌دهی اقتصاد کشورهای جهان سوم دو مکتب شکل گرفت:

۱- مکتب نوسازی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ برای عمومیت دادن به الگوی توسعه غربی در سایر کشورها، دستگاه دیپلماسی آمریکا با تشکیل کمیته سیاست مقایسه‌ای شورای تحقیقاتی علوم اجتماعی به ریاست گابریل آلموندو لوسین پای سعی کرد ارزش‌های لیبرال را در سایر کشورها گسترش دهد تا روند توسعه غربی را دنبال کنند.

۲- مکتب وابستگی در دهه ۱۹۷۰ با گرایش‌های مارکسیستی با انتقاد از توسعه تک خطی و غفلت از مسیرهای بدیل توسعه و عدم توجه به سلطه خارجی و موارد دیگر شکل گرفت.

مجموعه عواملی باعث شد تا مباحث دیگر در توسعه مانند نقش دولت و نقش مذاهب و نهادهای دینی مورد بررسی قرار گیرد.

تعریف اسلام

اسلام در لغت به معنای تسلیم در برابر اوامر الهی است و در اصطلاح به سه معنای متون مقدس (قرآن و روایات)، برداشت مسلمانان از متون دینی و سرانجام مجموعه عمل مسلمانان در طول تاریخ آمده است.^۵

علامه طباطبایی معتقد است اسلام مجموعه‌ای از معارف مربوط به مبدأ و معاد و قوانین اجتماعی از عبادات و معاملات است که از طریق وحی و نبوت به بشر رسیده است.^۶ آنچه که در این پژوهش از اسلام مورد نظر است اسلام به معنای متون دینی و اختصاصاً قرآن است و با استفاده از آیات قرآن، دیدگاه این کتاب آسمانی را در باره توسعه بیان می‌کنیم.

دیدگاه قرآن درباره نوسازی و توسعه اقتصادی

در قرآن کریم مشتقات توسعه به صورت اتّسع، سعة، واسع و وسع آمده است توسعه از ریشه وسع می‌آید و به معنای گسترش می‌باشد، اما اصطلاح توسعه اقتصادی در قرآن ذکر نشده است زیرا از مصطلحات جدید و مربوط به نیم قرن اخیر است ولی مفاهیمی مانند عمران و آبادانی زمین، خلقت اشیاء برای انسان، بهره‌گیری از امکانات زمین، خلیفه‌اللهی انسان، سرمایه‌گذاری، کشاورزی، صنعت و تجارت که از عوامل مورد نیاز توسعه است آمده است. در این بخش از مقاله به بحث و بررسی این مفاهیم جهت برداشت سبک زندگی اقتصادی و توسعه از دیدگاه قرآن می‌پردازیم:

۱- اصل خلیفه‌اللهی انسان و خلقت همه چیز برای او

از دیدگاه قرآن خلقت جهان و آفرینش برای انسان و بهره‌گیری او در جهت نیل به کمال مطلق و تکامل می‌باشد. بر خلاف آموزه‌های کلیسا که موجودیت انسان را نفی می‌کرد و در برابر آن اومانیزم و انسان‌محوری شکل گرفت. یعنی انسان در مدرنیته صرف نظر از فضایل و کمالات و یا هر گونه امتیاز و رنگ، ارزش و اصالت پیدا می‌کرد و موجودی مقدس و ارزشمند و دارای اعتبار و حقوق تلقی شد که از هر محدودیتی آزاد می‌شد.

در قرآن کریم انسان به عنوان محور توسعه، روح خدایی دارد و موجودی ارزشمند تلقی می‌شود^۷ و دارای کرامت می‌باشد. همچنین در قرآن کریم، انسان خلیفه خدا در روی زمین

شناخته شده است که نشان دهنده اعتبار قابلیت و توانایی انسان است و مأمور آبادانی زمین می باشد.

(وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً)^۸

«و هنگامی که خداوند به فرشتگان فرمود: من در روی زمین خلیفه قرار می دهم.»
دادن این مقام به انسان نشان دهنده استعدادها، قدرت و ارزش اوست که فرمانداری زمین را به او واگذاری می کند. و در آیه دیگر می فرماید:

(وَجَعَلَكُمْ خُلَافَئِ فِي الْأَرْضِ)^۹

«شما را در روی زمین خلیفه و جانشین خود قرار دادم.»

یعنی انسان بالفعل دارای شأن و اعتبار است، اختیار، انتخاب، آزادی و استقلال به رسمیت شناخته شده است. در قرآن کریم فراتر از مدرنیته برای انسان سیر صعودی و کمال در نظر گرفته شده است و می تواند به عنوان عالم صغیر در کنار عالم کبیر، استعداد ایمان و عمل صالح را پیدا کند. حاکمیت انسان در حوزه سیاست و اقتصاد در طول حاکمیت خداوند است. انسان به طور فطری می تواند به سوی کمال و شکوفایی استعدادهای خدادی اش پیش رود و بر اساس آیه (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) بازگشت به خدا بازگشت به خود انسانی انسان است. انسان فقط در برابر خداوند دارای نقص و فقر وجودی است اما در برابر خدا این گونه نیست. این خصوصیت انسان، زیربنا و بنیان توسعه سیاسی و اقتصادی در اسلام است که در قرآن تأکید شده است.

در قرآن کریم آفرینش همه چیز برای انسان قلمداد شده است و بر اساس خلیفه الهی همه آفریده های خداوند در اختیار او نهاده شده است.

(هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً)^{۱۰}

«او خدایی است که همه آنچه در زمین است برای شما (انسان) خلق کرده است.»

صاحب تفسیر مجمع البیان می‌گوید؛ معنای آیه آن است که زمین و آنچه در آن است به عنوان نعمت‌های خداوند متعال برای انسان آفریده شده است که یا نعمت دینی برای راهنمایی و معرفت انسان و یا نعمت دنیوی برای تمتع و بهره‌برداری مادی انسان است.^{۱۱}

سید قطب در تفسیر این آیه می‌گوید واژه «لکم» در این جا اشاره به آن دارد که خدا انسان را برای کار بزرگی آفریده است. خدا او را آفریده تا جانشین و مالک در زمین، فاعل توانا و موجود برتر در این میراث گسترده باشد.^{۱۲}

آیات دیگری با مضمون (سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ)^{۱۳}، (سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ)^{۱۴} را درباره مسخر کردن زمین و آسمان برای انسان داریم.

(وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا)^{۱۵}

«ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و آنان را در خشکی و دریا حرکت دادیم و از روزی‌های پاکیزه بهره‌مند ساختیم و بر بسیاری از آفریدگان خود برتری بخشیدیم.» در برخی آیات قرآن رام شدن زمین برای انسان آمده است.

(هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ تُشْوَرُونَ)^{۱۶}

«او خدایی است که زمین را برای شما رام قرار داد. پس بر پشت آن حرکت کنید و از روزی آن بخورید و بازگشت به سوی اوست.»

زمخشری در تفسیر کشاف گفته‌است راه رفتن بر مناکب زمین، مثالی از جهت نهایت رام بودن زمین برای انسان است. مناکب یعنی شانه‌های شتر که به راحتی می‌توان بر آن سوار شد. و سواره بر آن تسلط دارد.^{۱۷}

ذلول به معنای رام جامع‌ترین تعبیری است که درباره زمین ممکن است بیان شود چرا که زمین دارای حرکات متعدد و سریعی است اما چنان به نظر می‌رسد که ساکن است.^{۱۸}

اگر چه در این آیه همه امکانات زمین برای انسان در جهت توسعه اقتصادی بیان شده است اما جهت توسعه و نوسازی که الیه النشور است را هم بیان کرده است که توسعه اسلامی بر خلاف مدرنیته جنبه از اوایی و به سوی اوایی دارد.

در نوسازی به سبک مدرنیته خواسته‌ها و تمایلات غریزی انسان محور بهره‌گیری از همه امکانات است و بدین لحاظ فردگرایی اهمیت می‌یابد اما در اسلام اگرچه امیال و خواسته‌های غریزی انسان پاسخ داده می‌شود ولی این غرایز تعدیل شده و در جهت الهی سوق پیدا می‌کنند. فطرت به عنوان جوهره شخصیت انسان، اصول و ارزش‌های الهی را حفظ می‌کند و انسان تنها بنده خداست و نه بنده معبودهای دیگر و لذا آزادی حقیقی به دست می‌آید.

۲- عمران و آبادانی زمین و بهره‌گیری از امکانات آن

در آیات مختلف قرآن به پیشرفت و توسعه سفارش شده است. علاوه بر آیه‌ی ۷۰ سوره اسراء که می‌گفت بر پشت زمین سوار شوید و از امکانات آن بهره‌گیرید آیات دیگر هم با رهبانیت مخالفت کرده و تشویق به بهره‌گیری از امور پاک و حلال نموده است.

﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾^{۱۹}

«ای پیامبر! بگو چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان خود آورده حرام کرده و از بهره‌گیری روزی حلال و پاکیزه منع کرده و بگو این نعمتها در دنیا برای اهل ایمان است و نیکوتر آنها در آخرت برای آنان خواهد بود ما آیات خود را برای اهل دانش به روشنی بیان می‌کنیم.»

از فحوای آیه به دست می‌آید که پیشرفت اقتصادی از طریق علم و دانش به دست می‌آید و مؤمنان باید از طریق قدرت و ثروت به نعمت‌های دنیایی دست یابند و با بهره‌گیری از علم، کار و تکنولوژی به رفاه برسند. لذا قرآن با رهبانیت، ترک دنیا و ترک لذات آن مخالفت

کرده است. بر این اساس مسلمانان موظفند از کشاورزی، صنعت و تجارت حلال پشتیبانی کنند.

(كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ)؛^{۲۰}

«بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید، خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد.»

در این آیه شریفه خداوند مسلمانان را به خوردن و آشامیدن در حد نیاز و پرهیز از زیاده‌روی توصیه می‌کند. مسلمانان اگر اهل تلاش و فعالیت هم باشند نباید اسراف کنند.

(هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا)؛^{۲۱}

«اوست که شما را از زمین آفرید و به آبادانی آن واداشت.»

به کار بردن باب استفعال در واژه عمران نشان دهنده خواست خداوند از انسان برای آبادانی زمین است یعنی خداوند از انسان می‌خواهد که زمین را آباد کند.

(وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ)؛^{۲۲}

«اگر مردم شهرها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند برکات آسمان و زمین را برایشان نازل می‌کردیم.»

در این آیه ارتباط بین ایمان و تقوا و توسعه اقتصادی هم بیان شده است. یعنی تنها عامل توسعه، کار و تلاش در پیشرفت موثر نیست بلکه عوامل معنوی هم در مطابق آیه تأثیر دارد.

(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)؛^{۲۳}

«هیچ چیزی نیست مگر آن که خزائن آن نزد ماست و ما آن را نازل نمی‌کنیم مگر به اندازه معلوم.»

منظور آیه آن است که هر چیزی را که انسان نیاز دارد خداوند به صورت بالقوه در زمین قرار داده است که انسان می‌تواند بر اساس کار و فعالیت در راستای آبادانی زمین از آن بهره گیرد.

۳- دیدگاه قرآن درباره کار و فعالیت دنیوی

یکی از عواملی که دیدگاه قرآن را درباره توسعه نوسازی بیان می‌کند رویکرد قرآنی درباره کار و تلاش دنیوی و مادی است. همان گونه که می‌دانیم برخی مانند ماکس وبر معتقدند روحیه سرمایه‌داری در مناطق پروتستان‌نشین شکل گرفته و باعث توسعه اقتصادی شده است که از مناطق دیگر جهان از حیث صنعت و تکنولوژی در وضعیت بهتری قرار دارند. ولی در کتاب اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری^{۲۴} معتقد است علاوه بر عوامل دیگر توسعه در غرب، دین پروتستان در نوسازی غرب نقش مهمی داشته است و دیدگاه آن مذهب درباره ارزش کار و فعالیت دنیوی و همین طور تقدیر و سرنوشت باعث ارزش داشتن کار و فعالیت دنیوی شد تا انسان جزء رستگاران به حساب آید. وبر درباره مذاهب دیگر و از جمله اسلام معتقد است ادیان دیگر چنین کارایی را ندارند. در اسلام و نگرش قرآنی، دنیا و آخرت جدا از هم نبوده و دنیا مقدمه‌ای برای آخرت است و آبادانی دنیا هم امری مقدس محسوب می‌شود.

(رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ)^{۲۵}

«خدایا به ما خوبی در دنیا و آخرت را عنایت فرما و از عذاب جهنم نجات ده».

دنیا و آخرت هر دو اصیل هستند اما زندگی آخرت زندگی ابدی است و انسان برای رسیدن به صلاح آخرت باید به آبادانی و نوسازی در دنیا بپردازد.^{۲۶} رفاه مادی دنیا در اسلام نمی‌تواند خلأهای معنوی را پُر نماید. دین اسلام بر خلاف مسیحیت آموزه‌هایی در چارچوب شریعت در تنظیم امور سیاسی و اجتماعی دارد.

در اسلام کار منشأ اصلی درآمد و ثروت محسوب می‌شود و مالکیت حقیقی از آن خداست و مالکیت انسان اعتباری است.

(لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى)^{۲۷}

«نیست برای انسان مگر آنچه را که سعی و تلاش کند».

این آیه علاوه بر جنبه‌های معنوی شامل بُعد اقتصادی هم می‌شود و اهمیت دادن به کار و تلاش در حوزه‌های کشاورزی، تجارت و بازرگانی و صنعت را در بر می‌گیرد. در قرآن مبادله ربوی ممنوع شده است.^{۲۸} همچنین ظلم و ستم، تکاثر^{۲۹} و دروغ‌گویی منع شده است. در آیات قرآن فعالیت‌های مولد و عمرانی و آبادانی در دنیا تشویق شده^{۳۰} و لزوم مشروع بودن فعالیت‌های اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است.^{۳۱} از مجموع آیات قرآن به دست می‌آید که مسلمانان باید برای آبادانی به فعالیت‌های تولیدی و کسب روزی حلال تلاش کنند و موجبات سربلندی و عزت جامعه اسلامی را فراهم آورند.

اصول و معیارهای قرآنی توسعه

از آیات قرآن توسعه اقتصادی در حوزه‌های مختلف برداشت می‌شود. ولی توسعه اقتصادی جزئی از منظومه فکری جهان‌بینی اسلامی است و اسلام برای پیشرفت و نوسازی یکسری اصول و معیارهایی در قرآن طراحی کرده است که برتری آن را نسبت به شیوه لیبرالی و مارکسی توسعه بیان می‌کند. اصول و معیارهایی که به زندگی هدف و معنا می‌دهد و انسان را از پوچی و بی‌هدفی در زندگی خارج می‌کند.

۱- اصل توحید

در جهان‌بینی اسلامی و دیدگاه قرآن همه چیز از آن خداوند و به سوی خداوند است.^{۳۲} انسان به عنوان جانشین خدا اگر چه اختیاراتی در عمران و آبادانی زمین دارد ولی همه اعمال او حتی در امور کشاورزی، تجارت و صنعت باید جهت خدایی داشته باشد که در این صورت فعالیت در امور اقتصادی دارای اجر و پاداش می‌باشد.

(إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)^{۳۳}

«به درستی که ما از سوی خدا آمده‌ایم و به سوی او باز می‌گردیم.»

توحید یعنی نفی همه چیز جز خدا و در امور توسعه هم فقط خدا را معیار در معاملات و فعالیت‌های اقتصادی خود قرار دهد. این وجه ممیز سبک زندگی اقتصادی در قرآن است.

۲- اصل معاد

بر اساس اصل معاد انسان در جهان ابدی دیگر زندگی جاودانه دارد و از آن جا که دنیا مزرعه آخرت است. اعمال اقتصادی و غیر اقتصادی انسان در جهان دیگر تجسم می‌یابد و انسان با کلیه رفتارها و کنش‌های زندگی خود در آن سرای دیگر زندگی می‌کند. دنیا محل آزمایش انسان است و انسان در امور اقتصادی هم مورد آزمایش قرار می‌گیرد. باید او در هر کاری به جنبه الهی و پاداش و کیفر آن توجه نماید. اصل معاد باعث می‌شود انسان سرکش و طغیان‌گر که با عقلانیت ابزاری به دنبال سود بیشتر است، تمنیات او تعدیل شود و این امر برتری توسعه قرآنی نسبت به مدل‌های بدیل توسعه را اثبات می‌کند.

(وَلْتَسْأَلْنِ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ)؛^{۳۴}

«حتماً از اعمال‌تان سؤال می‌شوید.»

(وَإِنِّي إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى)؛^{۳۵}

«بدون شک نهایت و پایان به سوی پروردگارت می‌باشد.»

کسی که دیدگاه مادی دارد و پایان عمر را فنا و نابودی می‌بیند رفتارهای اقتصادی مطلوبی در مقابل دیگران ندارد.»

۳- اعتماد به رزق الهی

در جهان‌بینی اسلامی اعتقاد بر آن است که انسان باید دارای دو بال تلاش در جهت نوسازی اقتصادی و توکل بر مشیت الهی باشد. خداوند به هم موجودات روزی می‌رساند:

(إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ)؛^{۳۶}

«خداوند روزی هر کس را که بخواهد فراخ و تنگ می‌گرداند.»

البته خداوند بر اساس فعالیت‌ها و تلاش‌های انسان‌ها و مصالح بندگان و بر اساس آگاهی و بینش فوق العاده خود روزی را گسترده یا تنگ می‌کند. پس سزاوار است انسان متخلق به اخلاق الهی شود و راه میانه را در پیش گیرد.^{۳۷}

(إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ)^{۳۸}

«خداوند روزی دهنده همه موجودات و دارای قدرتی استوار است.»

در آیات متعدد قرآن، روزی خداوند همراه با کار و تلاش ذکر شده است.^{۳۹}

۴- رعایت تقوای الهی

یکی از اصول نوسازی و توسعه اقتصادی اسلام در برابر مدل‌های دیگر توسعه رعایت تقوی به معنای خویش‌داری در رفتارهای اقتصادی و پرهیز از کارهای حرام و معاملات باطل است. این اصل سبک زندگی اسلامی را در رفتار مسلمانان بیان می‌کند. تقوا در رفتارهای اقتصادی، حوزه گسترده‌ای را شامل می‌شود که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ)^{۴۰}

«ای مردم از حلال و پاکیزه که در زمین است بخورید و از وسوسه‌های شیطان پیروی نکنید که همانا او دشمن آشکار شماست.»

(إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ)^{۴۱}

«و همانا خداوند بر شما مردار، خون، گوشت خوک و هر چه را که به اسم غیر خدا کشته باشید حرام گردانید. پس هر کس به خوردن آن‌ها بدون رضایت، ناچار شود و از اندازه نیاز تجاوز نکند گناهی بر او نخواهد بود که همانا خداوند آمرزنده مهربان است.»

بر اساس آیات فوق یک مسلمان در سبک زندگی اسلامی با رعایت تقوی نباید هر

چیزی را بخورد بلکه باید حلال و حرام خداوند را در خوردن و آشامیدن رعایت نماید.

بر اساس آیات متعدد قرآن کریم انسان مؤمن باید در رفتار اقتصادی به دیگران ظلم و ستم و بهره‌کشی (استثمار) نکند.

(أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ)^{۴۲}

«مسابقه در ثروت‌اندوزی و جاه‌طلبی شما را سرگرم کرد و از مقصد بازداشت.»
در آیات دیگر قرآن کم‌فروشی نهی شده است^{۴۳} و دروغ‌گویی و جلوگیری از رقابت سالم، احتکار، سوء استفاده از قدرت، رشوه‌خواری، رباخواری، احتکار و معاملات حرام مذمت شده است. از مجموع آیات قرآن مشی اقتصادی مسلمانان در کشاورزی، تجارت و صنعت مشخص شده است. یعنی علاوه بر نظارت اداری و دولتی بر رفتار اقتصادی، هر فردی در برابر اعمال اقتصادی خود هم مسئول است. امری که در سبک زندگی غربی وجود ندارد.

۵- رعایت اعتدال و میانه‌روی

اعتدال و میانه‌روی در اقتصاد به معنای دوری از اسراف و تبذیر یکی از اصول سبک زندگی اقتصادی اسلام است.

(كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا)^{۴۴}

«بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید.»

(وَ أَنْ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَ أَنْ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ)^{۴۵}

«و بازگشت ما به سوی خداست و همانا مسرفان یاران آتش‌اند.»

قرآن در آیات زیادی اسراف و تبذیر را نکوهش کرده است و مسرفان و مبذران را برادران شیطان معرفی کرده است.^{۴۶}

اسراف باعث فقر و کفران نعمت‌های الهی است سخت‌گیری در مصارف زندگی و بهره‌مند نشدن از مواهب الهی نوعی انحراف از میانه‌روی و موجب نکوهش قرآنی است.^{۴۷}
اعتدال و میانه‌روی در قرآن و روایات مورد تمجید قرار گرفته است. در توسعه به شیوه‌ی

غربی، مصرف‌گرایی و مصرف زیاد امری پسندیده تلقی می‌شود و این یکی از موارد اختلاف نوع دیدگاه در نظر اسلام و مدرنیته است.

اصول و معیارهای توسعه در اسلام که وجه ممیز آن باید با توسعه در غرب است بیش از موارد فوق است ولی برای پرهیز از تطویل از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنیم.

مفهوم نوسازی و توسعه اقتصادی از مفاهیم جدید و مربوط به نیم قرن اخیر است. مدرنیته غربی جنبشی فراگیر در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مفاهیم جدیدی را وارد حوزه فکر و اندیشه کرده است و چون خصلت تهاجمی دارد خود را تحمیل می‌کند و از طریق شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌های جمعی، تبلیغات روانی و گسترده‌ای را برای پذیرش آموزه‌های خود سامان می‌دهد. همه جهان‌بینی‌ها و مکاتب جهان چاره‌ای جز تعیین نسبت خود با آموزه‌های مدرنیته ندارند که آیا فرهنگ مدارا و تکرر، دولت مدرن، توسعه اقتصادی غربی و سایر شاخصهای مدرن را می‌پذیرند یا نه؟

انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار فقید آن امام خمینی (ره)؛ با انقلاب اسلامی، اسلام را به عنوان یک دین جامع و کامل که توان مدیریتی و برنامه‌ریزی در حیات فکری، سیاسی و اقتصادی جوامع را دارد مطرح کرد و سبک زندگی اسلامی و قرآنی در حوزه‌های مختلف باید تبیین و تشریح گردد که قرآن چه نسبتی با نوسازی و توسعه دارد.

در این پژوهش نگرش قرآن درباره توسعه اقتصادی با استفاده از آیات قرآن مورد توجه قرار گرفت و اگر چه مفهوم توسعه در قرآن نیست ولی عوامل، آثار و لوازم آن در آیات مختلف مورد بحث قرار گرفته است. قرآن کریم انسان را خلیفه خدا بر روی زمین می‌داند که آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای بهره‌مندی او خلق شده است. از این حیث انسان‌گرایی اسلامی او را در موجودی مقدس و دارای روح خدایی می‌داند و بر خلاف مدرنیته، انسان را تابع خدایان خود ساخته متعدد نمی‌کند. انسان از دیدگاه قرآن می‌تواند از همه امکانات زمین برای پیشرفت و توسعه بهره گیرد و قرآن به انسان، دستور آبادانی و استفاده از مواهب طبیعت

را می‌دهد. بهره‌مندی از امکانات مادی و دنیوی در اسلام بر خلاف مسیحیت قرون وسطی نه تنها نکوهیده نیست بلکه در راستای آموزه‌های دینی قرار دارد اما نوسازی و توسعه اسلامی (سبک زندگی اقتصادی در اسلام) با توسعه غربی تفاوت‌های ذاتی و جوهری دارد. در اسلام بر خلاف تز سکولاریسم، فعالیت‌های اقتصادی ماهیت توحیدی دارد و انسان در برابر خداوند مسئول است و حتی در نهان هم نمی‌تواند رفتارهای سودانگاران مادی داشته باشد بلکه همواره خدا را باید مد نظر داشته باشد و در قیامت مسئول اعمال خویش باشد. از نظر قرآن بر خلاف مدرنیته انسان در برنامه‌های توسعه باید تقوای الهی را رعایت نماید و به مردم مستضعف و کشورهای ضعیف ظلم و ستم و استثمار نکند و از رشوه، ربا، احتکار و فعالیت‌های اقتصادی حرام بپرهیزد و در رفتار خود همواره اعتدال و میانه‌روی را سرلوحه خود قرار دهد و به روزی رساندن خداوند امید داشته باشد. بر طبق آیات قرآن کسب روزی علاوه بر کار و تلاش، به توکل بر ذات لایزال الهی هم بستگی دارد.

توسعه در تفکر مدرنیته یک هدف اما در اسلام وسیله‌ای برای قرب الهی و کمال است. در اسلام هدف اصلی توسعه در معنویات و اجرای عدالت است. در توسعه غربی عقلانیت ابزاری و سود محور ملاک و معیار است، اما از نظر قرآن عقلانیت صرفاً در محدوده حس و تجربه نیست بلکه متکی به معارف عقلی و شهودی هم می‌باشد.

خلاصه و نتیجه

موضوع این پژوهش در باره سبک زندگی اقتصادی قرآنی با عنوان؛ نوسازی و توسعه اقتصادی در قرآن بود. با توجه به آموزه‌های اسلامی در آیات قرآن کریم، اسلام با توسعه اقتصادی و عمران و آبادانی توافق و سازگاری دارد. در این نوشتار ابتدا به تعریف مفاهیم مورد استفاده مانند مدرنیته، مدرنیسم، مدرنیزاسیون، توسعه و نوسازی و سپس اسلام پرداختیم و سپس با توجه به آیات متعدد قرآن به این نتیجه رسیدیم که اگر چه مفهوم توسعه به معنای مصطلح امروز در قرآن نیامده است اما عوامل و زمینه‌های توسعه مانند ضرورت عمران و آبادانی زمین، اصل خلیفه‌اللهی انسان و خلقت همه چیز برای او و دیدگاه مثبت قرآن در باره کار و فعالیت‌های مادی و معاش به وضوح ذکر شده است که می‌تواند برای توسعه جوامع اسلامی مورد بهره‌برداری قرار گیرد و در بخش بعدی به وجوه تمایز توسعه در اسلام با توسعه در جوامع غربی با توجه به اصل توحید، معاد، اعتماد به رزق الهی، رعایت تقوای الهی و لزوم اعتدال در فعالیت‌های اقتصادی و پرهیز از اصراف و تبذیر پرداختیم.

پی‌نوشتها:

- ۱ - سید احمد موثقی، *نوسازی و توسعه سیاسی*، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۱، ص ۲۲.
- ۲ - همان، صص ۹۲-۳۴.
- ۳ - لو آی. م. صفی. *چالش مدرنیته*، ترجمه سید احمد موثقی، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۰، ص ۳۴.
- ۴ - میثم موسایی، *دین و فرهنگ توسعه*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۵۷.
- ۵ - مصطفی ملکیان، *سخنی در چند و چون ارتباط اسلام و لیبرالیسم*، مجله کیان، شماره ۴۸، ص ۱۱.
- ۶ - محمدحسین طباطبایی، *ترجمه المیزان*، ج ۳، تهران: انتشارات محمدی، بی‌تا، ص ۴۰۵.
- ۷ - قرآن کریم، سوره ...، آیه
- ۸ - قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۰.
- ۹ - قرآن کریم، سوره سبأ، آیه
- ۱۰ - سوره بقره، آیه ۲۹.
- ۱۱ - فضل بن حسن طبرسی، *مجمع البیان*، صیدا: مکتبه العرفان، ۱۳۵۵ ه.ق، ص ۷۱.
- ۱۲ - رشید رضا، *تفسیر المنار*، الطبعة الثانية، بیروت: دار المعرفة، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۷.
- ۱۳ - سوره لقمان، آیه ۲۰.
- ۱۴ - سوره حج، آیه ۲۰.
- ۱۵ - سوره اسراء، آیه ۷۰.
- ۱۶ - سوره ملک، آیه
- ۱۷ - جارالله زمخشری، *تفسیر کشاف*، ج ۴، بیروت، دارالکتاب العربی، بی‌تا، ص ۵۸۰.
- ۱۸ - جمعی از نویسندگان زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، قم: انتشارات، ج ۲۴، ص ۳۳۷.
- ۱۹ - سوره اعراف، آیه ۳۱.
- ۲۰ - سوره اعراف، آیه ۳۱.
- ۲۱ - سوره ی هود، آیه ۶۱.
- ۲۲ - سوره ی اعراف اعراف، آیه ۹۷.
- ۲۳ - سوره ی حجر، آیه ۲۱.

-
- ۲۴ - ماکس وبر، *اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری*، ترجمه عبدالمعبود انصاری،
- ۲۵ - سوره‌ی بقره، آیه ۲۰۱.
- ۲۶ - محمد محمدی ری‌شهری، *توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث*، ج ۱، ترجمه سید ابوالقاسم حسینی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۲، ص ۳۶ به بعد.
- ۲۷ - سوره‌ی نجم، آیه ۳۸. سوره بقره، آیه ۹ به بعد.
- ۲۸ - سوره بقره، آیات ۲۷۵-۲۸۱.
- ۲۹ - سوره مطففین، آیات ۱-۳، تکاثر ۸-۱.
- ۳۰ - سوره نساء، آیه ۳۴.
- ۳۱ - سوره هود، آیات ۸۴-۹۵.
- ۳۲ - سید احمد موثقی، پیشین، ص ۱۱۲.
- ۳۳ - سوره بقره، آیه ۱۵۶.
- ۳۴ - سوره نحل، آیه ۹۳.
- ۳۵ - سوره نجم، آیه ۴۲.
- ۳۶ - سوره اسراء، آیه ۳۰.
- ۳۷ - سید محمدحسین طباطبائی، *تفسیر المیزان*، ج ۲۵، تهران: انتشارات محمدی، ۱۳۶۳، ص ۴۷.
- ۳۸ - همان، ص ۴۷.
- ۳۹ - برای نمونه سوره عنکبوت، آیه ۶۲، سوره نساء، آیه ۳۲، سوره اسراء، آیه ۱۲ و
- ۴۰ - سوره بقره، آیه ۱۶۸.
- ۴۱ - سوره بقره، آیه ۱۷۳.
- ۴۲ - سوره تکاثر، آیه ۱.
- ۴۳ - سوره مطففین، آیات ۱-۳.
- ۴۴ - سوره انعام، آیه ۱۴۱.
- ۴۵ - سوره غافر، آیه ۴۲.
- ۴۶ - سوره اسراء، آیه ۲۷.
- ۴۷ - سوره فرقان، آیه ۶۷.